



چرا او؟

ہلن فیشر

در آینده‌ای نزدیک، مطالعات میان‌رشته‌ای نه یک انتخاب که یک اجبار خواهد بود.

در مطالعات میان‌رشته‌ای، دانش دو یا چند رشته‌ی علمی برای شناخت و حل مسائل مهم و چندوجهی باهم تلفیق می‌شوند. در بسیاری از موارد، شناخت یک پدیده مهم از ظرفیت یک رشته بخصوص علمی و یا حتی در برخی موارد از حوزه علم خارج است و اینجاست که مطالعات میان‌رشته‌ای با عبور از مرزهای سنتی دانش، امکان درک این پدیده‌ها را فراهم می‌سازد. مطالعات میان‌رشته‌ای، سیطره وسیعی از رشته‌هایی چون علوم شناختی، روان‌شناسی تکاملی، آینده‌پژوهی و... گرفته تا تلفیق کلی‌تر حوزه‌هایی چون علم، فلسفه و هنر را در برمی‌گیرد.

نشر سایلاو، به عنوان نخستین ناشر تخصصی مطالعات میان‌رشته‌ای در کشور، آثار مرتبط با این مجموعه را در قالب چند کتابخانه منتشر می‌کند: جهان مغز، انسان و جهان، فیزیک و فلسفه، فرگشت و آینده‌پژوهی، علم فلسفه و خدا و...

اگر «چرا او» را دوست داشتید، کتاب‌های دیگرِ مجموعه مطالعات میان‌رشته‌ای نشر سایلاو را هم بخوانید...

- مغز سبک مغز: یکی از متخصصان مغز و اعصاب برایتان توضیح می‌دهد در سرتان چه می‌گذرد / دین برنت
- مغز سرخوش: علم درباره منشأ و چرایی شادی چه می‌گوید / دین برنت
- گوریل نامرئی و راه‌های دیگری که شهود ما فریبمان می‌دهد / کریستوفر چابریس و دانیل سایمونز
- مغز پویا: ماجرای مغزی که هر لحظه تغییر می‌کند / دیوید ایگلن
- ناشناخته: زندگی اسرارآمیز مغز / دیوید ایگلن
- تو بودن: علم جدید خودآگاهی / آنیل ست
- مغزی که خود را تغییر می‌دهد / نورمن دویج
- گونـــــه‌های شگفت‌انگیز: راهنمای خلاقیت بشر در بازآفرینی جهان / دیوید ایگلن
- توهمات / الیور ساکس
- اذـــــهان مستبد: نمایه‌های روان‌شناختی، خودشیفتگی و استبداد / دین هی‌کاک
- ...





۹	فصل اول	فال گوش طبیعت ایستادن: چرا او؟
۳۵	فصل دوم	یافتن تیپ شخصیتی
۴۱	فصل سوم	قرع‌ای که به اسمتان افتاده است: تاس طبیعت
۶۵	فصل چهارم	زندگی را با تمام وجود تجربه کنید: جستجوگر
۹۳	فصل پنجم	ستون جامعه: سازنده
۱۱۹	فصل ششم	همیشه به سوی ستارگان: هدایتگر
۱۴۳	فصل هفتم	پادشاه فلسفه: مذاکره‌کننده
۱۷۱	فصل هشتم	همبازی، همیار، همفکر، هم‌زاد: شیمی دوست‌یابی
۱۹۵	فصل نهم	عاشق شدن: قیف



فصل دهم

۲۱۷

آن یک نفر: چگونه عشق می‌ورزیم

فصل یازدهم

۲۱۵

به کار گرفتن شیمی: توصیه‌ای از جانب طبیعت

ضمیمه

۲۹۱

مطالعه انتخاب همسر: چه کسی را انتخاب می‌کنیم

Saylavi

«جایی در این جهان، روحی تنها در انتظار روحی دیگر است
از بیس ساعاتی ملالت بار، که در جستجوی یکدیگرند
در مقصدی ناگهانی، به طرز عجیبی یکدیگر را ملاقات می‌کنند
سپس مانند برگ‌های سبزی که در گل‌های طلایی تنیده شده‌اند، به
مجموعه‌ای زیبا و کامل تبدیل می‌شوند
و شب طولانی زندگی پایان می‌یابد، و راهی به سوی ابد، پیش رو قرار می‌گیرد.»

سیرادوین آرنولد

sayılar



فصل اول

فال گوش طبیعت ایستادن: چرا او؟

«من آن قدر بزرگم که همگان را در برمی گیرم.»

والث ویتمن^۱

«حال دیگر در زیر باران خیس نخواهید شد، چرا که هریک از شما پناهگاه دیگری خواهد بود. سرما را احساس نخواهید کرد چرا که گرما بخش یکدیگر خواهید بود. دیگر تنها نیستید. زندگی پیش روی شماست. حال به خانه بروید و تا پایان عمر در کنار یکدیگر بیاسایید و امیدوارم روزگار خوشی تا آن بر روی زمین بسیار طولانی باشد.»

پیش از این که من در سال ۲۰۰۶ در لاجولای^۲ کالیفرنیا این شعر عروسی را بشنوم، احتمالاً سرخپوستان آپاچی در جنوب غربی آمریکا برای چند قرن آن را از بر می خواندند. در یکی از غروب‌های اوایل ماه ژوئن، وقتی آسمان هنوز گلگون و لاجوردی بود و بوی دریا از پنجره‌ها می‌گذشت و به مشام می‌رسید، من در طبقه دوم یک رستوران شیک ایتالیایی روی یک صندلی تاشو نشسته بودم. مردی مسن و محترم، در حال برگزاری مراسم ازدواج کوتاهی بود که ترکیبی از مراسم مسیحی، یهودی و سنت‌های آپاچی بود. در مقابل من، عروس و داماد این جشن می‌درخشیدند. سوزان و پاتریک، یکی از اولین زوج‌هایی بودند که پس از آشنایی در سایت همسریابی با هم ازدواج می‌کردند. من یکی از افرادی بودم که در طراحی این وب‌سایت مشارکت داشتم.

1. Walt Whitman

2. La Jolla

پاتریک قبلاً در نیواورلئان^۱ به کار روزنامه‌نگاری مشغول بود اما در سال ۲۰۰۵ طوفان کاترینا باعث شد که او شغل، خانه و همه چیزش را از دست بدهد. او در فوریه ۲۰۰۶ به غرب رفت و با اقوام خود در لس‌آنجلس اقامت گزید. چند روز پس از ساکن شدن در شهر جدید، او به سایت همسریابی پیوست و اولین مورد مناسب ازدواج به او پیشنهاد شد: سوزان، وکیلی که در لاجولا زندگی می‌کرد. شب اول، آن‌ها به مدت سه ساعت تلفنی با هم صحبت کردند. آن‌ها در تعطیلات آخر هفته یکدیگر را ملاقات کردند و با تمام وجود عاشق هم شدند.

پاتریک در یک شب مطبوع تعطیلات آوریل در پاریس، سوزان را به بالای برج ایفل برد و از او خواستگاری کرد. زن جوان مبهوت و با لبخندی بر لب پاسخ مثبت داد. به همین خاطر بود که من در یک رستوران ایتالیایی لوکس در لاجولا نشسته بودم و حدود پنجاه نفر از دوستان و خویشاوندان آن‌ها در شب ازدواج، اطرافم بودند.

من از بودن کنار عشاق لذت می‌برم. انرژی آن‌ها مسری است. این نیرو در داماد قابل لمس بود. او اولین نفری بود که به مراسم رسید. یک دفعه وارد اتاق شد و فضا را مملو از شور و نشاط کرد. با این‌که قبلاً همدیگر را ملاقات نکرده بودیم، او به گرمی سلام کرد و خوش آمد گفت. ما بلافاصله شروع به گفتگو درباره تکامل زبان انگلیسی، تجربه او به عنوان روزنامه‌نگار در بعضی از مناطق خطرناک آسیا و برخی تحقیقات پیشین من بر روی فعل و انفعالات شیمیایی مغز در عشق رمانتیک کردیم.

بقیه نیز خیلی زود سر رسیدند. همه بر روی صندلی‌های تاشودر مقابل یک بار کوچک، که با گل‌های لیلیوم آترنین شده بود، نشستیم. عروس آخرین فردی بود که وارد شد. وقتی او را دیدم مبهوت شدم - یک بانوی ریزنقش، خوش‌اندام و عروسک مانند، با چشمانی آبی و موهای بلند خرمایی‌رنگ که طره‌های نرم آن

1. New Orleans
2. Lilies

غرق در گل فراموشم نکن^۱ بودند.

سوزان مانند الهه زیبایی یونان باستان، هلن، از چهره‌ای جذاب و افسونگر برخوردار بود و شور و حرارتش همانند پاتریک بود. او مسحور شاهزاده‌اش شده بود و درحالی‌که به او خیره شده بود و با شادی غیرقابل وصفی لبخند می‌زد گفت «بله».

یک نفر فلوت می‌نواخت. آواز آباچی خوانده می‌شد و همان‌طور که عروس و داماد از راهروی بین صندلی‌ها عبور می‌کردند، از بطری‌های کوچکی که کنار صندلی‌هایمان بود حباب‌هایی به سمت آن‌ها فوت می‌کردیم. جشن آغاز شد: سینی‌های پاستا کائوآتلی ماریانا، آنتی پاستوی روستیک^۲، صدف، مرغ فرا دیالولو - مجموعه‌ای از غذاهای محبوب ایتالیایی - در میان بادکنک، کاغذ رنگی و نوشیدنی بر روی هر میز قرار داده شد. هم‌زمان آهنگ‌های قدیمی پخش شد و ما به شادی و شغف پرداختیم. پاتریک و سوزان بین ما می‌پرخیدند و شادمانی خود را با دیگران تقسیم می‌کردند.

انجیل می‌گوید: «عشق به همه چیز امیدوار است». من به پاتریک و سوزان امیدوار بودم اما برای این خوش‌بینی نسبت به ازدواج آن‌ها دلیل هم داشتم. من چیزهایی در مورد شخصیت آن‌ها می‌دانستم؛ چراکه هر دو، آزمون شخصیتی من را انجام داده بودند. این آزمون، مجموعه‌ای از سؤالات است که من برای تعیین برخی از موارد اساسی در ماهیت زیست‌شناختی شخص، طراحی کرده‌ام. هر دو نتایج آزمون خود را به من گفته بودند و بر اساس این داده‌ها، مطمئن بودم که ویژگی‌های خاص شیمیایی پاتریک، ویژگی‌های سوزان را تکمیل می‌کند و معجونی روان‌شناختی و بیولوژیکی را به وجود می‌آورد که آن‌ها را سال‌ها شایسته و دل‌باخته یکدیگر می‌سازد.

۱. گیاهی علفی یک یا دوساله بومی اروپا و آسیا Myosotis نام علمی

۲. پیش‌غذای رسمی ایتالیا

خلق و خو و عشق

ما از تمایلات ذاتی بسیاری برخورداریم. در حقیقت، دانشمندان اکنون معتقدند که حدود ۵۰ درصد تغییرات در شخصیت انسان با عوامل ژنتیکی آن‌ها مرتبط است. ما بخش زیادی از ساختار ذهنمان را به ارث می‌بریم.

اما شخصیت چیست؟

روان‌شناسان، شخصیت را به عنوان مجموعه‌ای متمایز از افکار و احساسات تعریف می‌کنند که بر همه اعمال شخص تأثیر می‌گذارد.

البته که شخصیت چیزی فراتر از زیست‌شناسی محض است. شخصیت از دو نوع صفات کاملاً متفاوت تشکیل می‌شود: صفات مرتبط به شخصیت و صفات مرتبط به فطرت.

صفات شخصیتی از تجارب شما نشأت می‌گیرد. بازی‌های دوران کودکی؛ ارزش‌ها و علائق والدین؛ این‌که در جامعه شما، مردم چگونه عشق و نفرت را بروز می‌دهند؛ بستگان و دوستان، چه کسانی را مودب، خطرناک یا پرهیجان تلقی می‌کنند؛ چگونه عبادت می‌کنند؛ چه آوازی می‌خوانند؛ چه وقت‌هایی می‌خندند؛ برای گذران زندگی و استراحت چه کارهایی انجام می‌دهند. ترکیب این موارد و دیگر عوامل بی‌شمار فرهنگی، مجموعه‌ای منحصر به فرد از ویژگی‌های شخصیتی را به وجود می‌آورد.

خلق و خوی شما، همان تعادل شخصیت شماست. خلق و خو شامل تمام گرایش‌های زیست‌شناسی توارثی است. این ویژگی‌ها در اوایل دوران کودکی بروز می‌کند تا الگوی منسجمی از احساس، تفکر و رفتار را در فرد ایجاد کند. همان‌طور که فیلسوف اسپانیایی خوزه ارتگا بی گاست^۱ بیان می‌کند، «من از خودم و شرایطم تشکیل شده‌ام.»^۲ خلق و خو همان «خودم» است که مبنای آنچه هستید را تشکیل می‌دهد. ویژگی‌هایی از قبیل کنجکاوی، خلاقیت، نوجویی، شفقت، احتیاط، رقابت‌طلبی و بسیاری دیگر از جنبه‌های خلق و خورا

1. Jose Ortega y Gasset

2. I am plus my Circumstances

تا حدودی به ارث می برید.

این همان بخشی از روح انسان است که من در پاتریک و سوزان مورد بررسی قرار دادم - خلق و خوی زیست شناختی.

تولد «من»

هیچکس دقیقاً نمی داند که ما انسان ها چه تعداد از ویژگی های فطری را به ارث می بریم. اما مطالعات بر روی دوقلوهای همسان نشان می دهد که تعداد این دسته از ویژگی های فطری بسیار زیاد است. «دوقلوهای خندان» را در نظر بگیرید. کارکنان مرکز مطالعات دوقلوه‌ها در مینه سوتا در دهه ۱۹۷۰ این نام را به دو خواهر اطلاق کردند، چراکه آن ها با کوچک ترین شوخی یا تغییر کلمات، قهقهه می خندیدند.

دافنه و بارابا حاصل رابطه پیش از نامزدی یک دانشجوی مجرد فنلاندی در انگلیس بودند. این دانشجوی در سال ۱۹۳۹، آن ها را به دنیا آورد. بارابا توسط یک متصدی نگهداری محوطه پارک عمومی، به فرزندخواندگی پذیرفته شد، درحالی که دافنه در خانه یک متخصص ژن و تمند ریخته گری فلزات بزرگ شد. آن ها برای اولین بار در سن ۳۶ سالگی برای شرکت در مطالعه دوقلوه‌ها در مینه سوتا، همدیگر را ملاقات کردند. این مطالعه بر روی دوقلوهای یکسان که جدا از یکدیگر بزرگ شده بودند انجام می شد. علی رغم این که اولین بار بود همدیگر را می دیدند، اما هر دو عاشق شیطنت کردن بودند و تمام زندگی خود را با خندیدن سپری کرده بودند.

هر دو روی دستانشان نشسته بودند تا از حرکت عصبی آن جلوگیری کنند. هر دو موهایشان را خرمایی رنگ کرده بودند. پرنرزی بودند. از ریاضی و ورزش متنفر بودند. تلویزیون تجاری^۱ تماشا نمی کردند. رنگ مورد علاقه شان آبی بود. هر دو آن ها تمایلی به اظهار نظر سیاسی نداشتند و هر دو در سن شانزده سالگی در یک جشن با همسرانشان آشنا شده بودند و در پاییز ازدواج کردند. علی رغم

۱. تلویزیونی که منابع مالی آن از طریق فروش وقت آگهی یا کمک پشتیبانان تأمین می شود.

تحصیلات پرهزینه دافنه و تحصیلات نسبتاً متوسط باربارا، از ضریب هوشی تقریباً یکسانی برخوردار بودند.

آیا این ها همگی اتفاقی بوده است؟

روان شناس توماس بوچارد^۱، مدیر مطالعات دوقلوها در مینه سوتا، با داستان های مشابه زیادی مواجه شده بود. به همین دلیل در دهه ۱۹۸۰، اظهار کرد که ده ها ویژگی شخصیتی، دارای درجه ای از توارث هستند. طبق گزارش او، سنت گرائی، تمایل به اطاعت در برابر سلطه، پرخاشگری، انگیزه رهبری و اشتیاق به توجه از جمله ویژگی هایی است که ارتباط قوی با ژنتیک دارد. او در سال ۱۹۸۴ نوشت: «مطالعات دوقلوها و فرزندخواندگی، هر دو به نتایج شگفت انگیزی دست یافتند که نشان می دهد تأثیرات محیط مشابه خانوادگی، تنها نقشی جزئی در تعیین شخصیت دارند.»

در دهه های اخیر، متخصصان ژنتیک رفتار انسان، موارد قابل توجهی را به فهرست خصلت های مرتبط با دی ان ای افزوده اند. چیزی که در این کتاب اهمیت بیشتری دارد این است که اکنون دانشمندان می دانند گروه ژن های برهم کنشگر^۲، بر رفتار تأثیر می گذارند و حتی با همکاری همدیگر سندرم های رفتاری را ایجاد می کنند. به عنوان مثال، اگر از نظر بیولوژیکی، مشتاق نوجویی هستید، احتمال دارد که پارانرژی، خودانگیخته، ریسک پذیر، کنجکاو و خلاق نیز باشید. در عوض اگر مستعد سنت گرایی باشید، احتمالاً وفادار، محتاط، مطیع و مشتاق برنامه ریزی و دنبال کردن برنامه های از پیش تعیین شده خواهید بود. در اینجا، مجموعه ای از ویژگی های زیست شناختی^(۱) مرتبط به هم را بیان می کنیم، که در نهایت چیزی را به وجود می آورد که به طور معمول به آن تیپ های شخصیتی^(۲) می گویند.

در حقیقت، پس از انجام تحقیقات گسترده بر روی پایه های زیست شناختی

1. Thomas Bouchard
2. Interacting Genes

تیپ‌های شخصیتی، به این باور رسیدم که هر کدام از ما، ترکیب منحصر به فردی از چهار تیپ شخصیتی اصلی را بروز می‌دهیم. علاوه بر این، تیپ شخصیتی اصلی، ما را به سوی شریک عشقی خاصی هدایت می‌کند. نجوای مداوم طبیعت زیست‌شناختی درونمان، بر روی این موضوع که عاشق چه کسی شویم تأثیر می‌گذارد.

زمانی که در آن شب عروسی مسحورکننده، حباب‌ها را به سمت پاتریک و سوزان فوت می‌کردم این افکار در ذهن من شناور بود. در این فکر بودم که هر دوی آن‌ها، معشوق خود را پیدا کرده‌اند.

شما که هستید؟ چرا به طور طبیعی به سمت افراد خاصی جذب می‌شویم؟ تحقیقات من درباره این معما از تعطیلات کریسمس سال ۲۰۰۴ آغاز شد.

«چرا به جای این‌که عاشق شخص دیگری شوید، عاشق یک فرد خاص می‌شوید؟» این همان چیزی است که تیم اجرایی سایت همسریابی می‌خواست بداند. من دو روز پس از کریسمس سال ۲۰۰۴ در نیویورک با آن‌ها ملاقات کردم و آن‌ها این سؤال را از من پرسیدند. من بزرگ‌ترین سایت اینترنتی همسریابی جهان است و من دعوت شده بودم تا یک روز را با آن‌ها بگذرانم. البته فکر می‌کردم این چنین است. پیش از ظهر، آن‌ها این سؤال اساسی را پرسیدند. پاسخ دادم: «هیچ‌کس واقعاً نمی‌داند.»

روان‌شناسان نشان داده‌اند که مردان و زنان تمایل دارند عاشق افرادی شوند که پیش‌زمینه مشابه قومی و اقتصادی-اجتماعی با آن‌ها دارند؛ افرادی که هوش، تحصیلات و جذابیت فیزیکی؛ ارزش‌های مذهبی، سیاسی و اجتماعی و حتی حس شوخ‌طبعی مشابهی با آن‌ها داشته باشند. همچنین ما در زمان مناسب عاشق می‌شویم؛ و اغلب عاشق کسی می‌شویم که در نزدیکی ما کار یا زندگی می‌کند. دوران کودکی نقش مهمی در انتخاب‌های عاشقانه ایفا می‌کند، اگرچه تاکنون هیچ الگوی قابل اعتمادی در این زمینه به اثبات نرسیده است. تمایل

داریم عاشق کسی شویم که چیزهایی را که نیاز داریم فراهم کند و مردم اغلب عاشق کسی می‌شوند که عاشق آن‌هاست.

اما، همان‌طور که من به مدیران این سایت همسریابی گفتم، این‌که چگونه دو شخصیت مجزا باهم جفت‌وجور می‌شوند نامعلوم است. افراد لزوماً به کسی که ویژگی‌های شخصیتی مشابه یا متفاوت دارند، اظهار عشق نمی‌کنند و الزاماً او را برای زندگی یا ازدواج انتخاب نمی‌کنند. در واقع، در حدود ۴۷۰ مطالعه، سازگار بودن دو شخصیت را در ازدواج بررسی کرده‌اند. روان‌شناس مارسل زنتنر، این داده‌ها را خلاصه کرد و گفت، «افراد مختلف با صفات مختلف، در انتخاب خصوصیات شخصیتی مشابه، تفاوت قابل توجهی با یکدیگر دارند.» همان‌طور که وی عنوان می‌کند، «این مسئله که چگونه در یک رابطه، دو شخصیت می‌توانند به بهترین نحو باهم جور شوند، کماکان لاینحل باقی مانده است.»

با این حال انتخاب شریک زندگی، تمام جنبه‌های زندگی‌تان را تحت تأثیر قرار می‌دهد: مکالمات صبحگاهی در رختخواب و در سر میز صبحانه؛ دوستی‌ها، دیدارهای خانوادگی و میهمانی‌های آخر هفته؛ این‌که کجا زندگی کنید؛ چگونه فرزندان‌تان را بزرگ کنید و به احتمال زیاد بر روی شغل‌تان نیز تأثیرگذار خواهد بود و مطمئناً این انتخاب، آینده شما را تحت تأثیر قرار خواهد داد. فرزندان‌ی که به دنیا خواهید آورد، آینده‌ی ژنتیکی شما را تشکیل می‌دهند. تنها چند بار در زندگی، بذر خود را با سلاله دیگری خواهید آمیخت و دی‌ان‌ای خود را به سوی ابدیت می‌فرستید.

بنابراین این‌که چه کسی را انتخاب کنید، مهم است.

در حقیقت، به نظرم باورکردنی نیست که تکامل، این تصمیم را به‌طور کامل برعهده هوس‌های انسانی ما گذاشته باشد. حدس زدم که روان‌شناسان مکانیسم‌های زیست‌شناختی بنیادین - که در هدایت انتخاب‌های عاشقانه ما نقش دارند - را عمیقاً مطالعه نکرده‌اند.

بنابراین وقتی از من خواستند که به آن‌ها کمک کنم تا وب‌سایت دیگری برای خدمات همسریابی اینترنتی‌شان طراحی کنند، به آن‌ها گفتم که در تعطیلات جشن کریسمس درباره آن فکر می‌کنم. این وب‌سایت همسریابی برای زنان و مردانی طراحی شده بود که در جستجوی روابط بلندمدت بودند.

فصل تعطیلات فرارسید. اما در روز اول سال نو پذیرفتم که باید با این فرصت رودررو شوم. این فرصتی بود تا جدیدترین اطلاعات علوم اعصاب را برای پاسخ به این سؤال که عاشق چه کسی شوید به کار بگیریم. این کار حتی می‌توانست به افراد کمک کند که «آن یک نفر» را پیدا کنند. بنابراین پشت میز نشستم و یک کاغذ سفید برداشتم.

درباره شخصیت چه چیزهایی می‌دانستم؟

زیست‌شناسی شخصیت

دوپامین^۱. با این ماده شیمیایی مغز شروع کردم چرا که سال‌ها درباره فعالیت‌های این پیام‌رسان عصبی قدرتمند و حاضر در همه جا، مطالعه کرده بودم. یک مرتبه شروع به نوشتن فهرستی از خصوصیات شخصیتی کردم که می‌دانستم با ژن‌های خاصی در سیستم دوپامین مرتبط‌اند: تمایل به نوجویی و نوآوری؛ تمایل به ریسک‌پذیری؛ خودانگیختگی؛ انرژی زیاد؛ کنجکاوی؛ خلاقیت؛ خوش‌بینی؛ اشتیاق؛ انعطاف‌پذیری روانی. تصمیم گرفتم مردان و زنانی که ویژگی‌های مرتبط به زیست‌شناسی افراد جستجوگر از خود نشان داده بودند را به خاطر بیاورم. می‌دانستم که پاتریک به میزان قابل توجهی، دارای تیپ جستجوگر است.

کاغذ سفید دیگری از کشوی میز برداشتم. چه چیز دیگری درباره شخصیت می‌دانستم؟

خوب، افرادی که ژن‌های به خصوصی از هورمون سروتونین^۲ را به ارث برده‌اند تمایل

1. Dopamine
2. Serotonin

دارند آرام، اجتماعی، محتاط و نه ترسو، سرسخت و وفادار باشند. همچنین به قوانین، واقعیت‌ها و نظم علاقه‌مندند. آن‌ها سنت‌گرا و به عبارتی نخبه‌بازان سنت هستند. از آنجاکه این مردان و زنان در ساختن شبکه‌های اجتماعی و مدیریت افراد در موقعیت‌های گوناگون خانوادگی، تجاری و اجتماعی، مهارت دارند، افرادی که این مجموعه صفات ژنتیکی به ارث برده‌اند را سازندگان^۱ نامیدم.

همچنین درباره تستوسترون^۲ مطالعاتی انجام داده بودم. گرچه تستوسترون اغلب به مردان مرتبط می‌شود، اما می‌دانستم که هم مردان و هم زنان قادر به بیان فعالیت ویژه‌ای در این سیستم عصبی هستند. علاوه بر این، کسانی که این هورمون را به ارث می‌برند افرادی رک، قاطع، متمرکز، تحلیل‌گر، منطقی، واقع‌بین و سخت‌گیر هستند. این افراد احساسات خود را کنترل می‌کنند و از تفکر راهبردی خوبی برخوردارند. بسیاری از آن‌ها جسور و اهل رقابت هستند. در شناخت ماشین‌ها، فرمول‌های ریاضی یا دیگر سیستم‌های مبتنی بر قانون، بهتر از دیگران عمل می‌کنند. بسیاری از آن‌ها در درک ساختار موسیقی نیز خوب هستند. من این دسته از افراد را «هدایتگر»^۳ نامیدم.

آخرین مورد در مخزن دانش زیست‌شناسی من، ویژگی‌هایی بودند که به استروژن^۴ مربوط می‌شدند. زنان و مردانی که فعالیت استروژن در آن‌ها بیشتر است تمایل دارند که تصویر کلی از هر چیزی را در نظر بگیرند: این افراد حقایق متفرقه را به هم ارتباط می‌دهند تا از روی قراین و به صورت کل‌نگر بیاندیشند - پدیده‌ای که من آن را تفکر شبکه‌ای^۵ می‌نامم. آن‌ها خیال‌پرداز هستند. مهارت‌های کلامی عالی از خود نشان می‌دهند و در خواندن حالات بدن، حرکات سر و دست، حالات چهره و تن صدا، که به‌عنوان مهارت‌های اجتماعی اجرایی شناخته می‌شوند، از بقیه بهتر هستند. علاوه بر شرم قوی، دلسوز، حامی و دارای ذهنی منعطف

-
1. Builders
 2. Testosterone
 3. Director
 4. Estrogen
 5. Web thinking

هستند. همچنین افرادی سازگار، آرمان‌گرا، نوع‌دوست‌اند و احساساتشان را بروز می‌دهند. من، افرادی که در این دسته گسترده بیولوژیکی قرار می‌گیرند را «مذاکره‌گر»^۱ نامیدم.

البته سیستم‌های شیمیایی دیگری نیز در شکل‌گیری شخصیت نقش ایفا می‌کنند. ما صدها نوع مختلف پیام‌رسان‌های عصبی (مولکول‌های کوچک‌تر) و حدود پنجاه نوع پپتید در مغز داریم اما کارکرد اغلب آن‌ها برای حفظ ضربان قلب و همچنین هماهنگ کردن سایر عملکردهای اساسی بدن است. اما پر واضح است که این چهار ماده شیمیایی - دوپامین، سروتونین، تستوسترون و استروژن - نقش اصلی را در ایجاد جنبه‌های شخصیتی ایفا می‌کنند.

با این حال، باید دو مورد دیگر را نیز ذکر کرد. نوراپی‌نفرین^۲، یک ترکیب شیمیایی است که ارتباط نزدیکی با دوپامین دارد. این ماده بدون شک به برخی از ویژگی‌های افراد جستجوگر به‌ویژه به انرژی و شتاب‌زدگی آن‌ها کمک می‌کند و اکسی‌توسین - ماده شیمیایی که به‌وسیله استروژن تولید، ذخیره و (تا حد زیادی) آزاد می‌شود - به احتمال زیاد در ایجاد محبت، حمایت‌گری، زودباوری و فراست در افراد مذاکره‌گر نقش ایفا می‌کند. در واقع، خانواده‌ای از مواد شیمیایی، افراد جستجوگر، سازنده، هدایت‌گر و مذاکره‌کننده را به وجود می‌آورند. نسبت و تعامل‌های این مواد با یکدیگر و چندین سیستم عصبی دیگر، از اهمیتی به مراتب بیشتر از فعالیت‌های خاص و جداگانه هر یک از آن‌ها برخوردار است.

(۳-۴)

با این وجود، تنها دوپامین، سروتونین، تستوسترون و استروژن به‌طور مستقیم با طیف گسترده‌ای از ویژگی‌های شخصیتی ارتباط دارند. بنابراین به احتمال زیاد تغییر در این چهار ماده شیمیایی پایه و اساس این چهار سبک اساسی تفکر و رفتار را ایجاد می‌کند.

اما آیا تیپ شخصیتی شما، درباره این‌که عاشق چه کسی شوید شما را راهنمایی

1. Neogtiator
2. Norepinephrine

می‌کند؟

تصمیم گرفتم که پاسخ این سؤال را پیدا کنم.

مطالعات من در خصوص تیپ شخصیتی

من مشاوره علمی کاری را پذیرفتم که قرار بود یک سایت همسریابی اینترنتی باشد و در ژانویه سال ۲۰۰۵، شروع به تعیین گزاره‌های اصلی پرسشنامه‌ای کردم که اعضای سایت باید برای عضویت در این سرویس تکمیل می‌کردند، پرسشنامه‌ای که تیپ شخصیتی آن‌ها را مشخص می‌کرد. مبنای تمام پرسش‌ها را بر مبنای علم ژنتیک و شیمی اعصاب قراردادام.

به عنوان مثال، این گزاره را مطرح کردم که «کارها را بدون فکر انجام می‌دهم.» حدس زدم که افراد جستجوگر به احتمال زیاد با این گزاره «کاملاً موافق هستند»، زیرا ژن‌های خاصی در سیستم دوپامین با شتاب‌زدگی همراه هستند.

«دوستان و خانواده‌ام می‌گویند که به ارزش‌های سنتی پایبندم.» به دلیل این که انگیزه پیروی از هنجارهای اجتماعی نشانه‌ای از سیستم سروتونین است، فکر کردم افراد سازنده به طور خاص تمایل زیادی به این گزاره دارند.

برای تعیین این که عضو سایت تا چه میزان دارای تیپ هدایت‌گراست، گزاره زیر را پیشنهاد دادم: «من نسبت به اکثر افراد، تحلیل‌گرتر و منطقی‌تر هستم.» به اعتقاد من، مردان و زنانی که تستوسترون بالایی دارند، احساس می‌کنند که این مورد آن‌ها را به دقت توصیف کرده است.

و به این دلیل که افراد مذاکره‌کننده از تخیل قوی برخوردارند و این تا حد زیادی به خاطر فعالیت استروژن است، گزاره «به وضوح قادر به تصور رخداد حوادث شگفت‌انگیز و وحشتناک برای خود هستم» را در آزمون تیپ شخصیتی وارد کردم.

از روان‌شناسان جاناتان ریچ^۱ و هایدی ایسلند^۲ دعوت کردم در این پروژه به من

1. Jonathan Richard
2. Heide Island

بییونند. با کمک آن‌ها پرسشنامه را تکمیل کردم. این پرسشنامه در ماه فوریه ۲۰۰۶ به عنوان بخشی از پروژه Chemistry در سطح ملی عرضه شد. هدف این آزمون تعیین شرح حال زیست‌شناسی افراد از نظر میزان دوپامین، سروتونین، تستوسترون و استروژن بود و یا همان درجه جستجوگری، سازندگی، هدایت‌گری یا مذاکره‌گری بود. (۵-۶)

الآن که این پاراگراف را می‌نویسم، حدود پنج میلیون آمریکایی به همراه ۱٫۸ میلیون نفر در سی و چهار کشور، این پرسشنامه را پر کرده‌اند. این آزمون شخصیت، مبنای پرسشنامه جامع‌تری است که یکی از بزرگ‌ترین وب‌سایت‌های همسریابی دنیا از آن استفاده می‌کند. پس از بررسی داده‌ها در یک نمونه ۳۹،۹۱۳ نفری از این اعضای ناشناس وب‌سایت همسریابی، به وضوح دیدم که چگونه هریک از این چهار تیپ شخصیتی، از طرز تفکر و عملکرد متفاوتی برخوردارند.

اما می‌خواستم بیشتر بدانم: آیا هر نوع تیپ شخصیتی تمایل دارد در تعطیلات آخر هفته کار متفاوتی انجام دهد؟ ترجیحات مذهبی و سیاسی آن‌ها چیست؟ آیا آن‌ها حرفه‌های متفاوتی را دنبال می‌کنند؟ تیپ‌های شخصیتی هر کدام، کجا را برای زندگی ترجیح می‌دهند؟ هر تیپ شخصیتی معمولاً چه نوع دوستانی دارند- یک جمع اجتماعی، روشنفکر، ماجراجویا مبارز؟ هر کدام از این تیپ‌ها معمولاً چگونه عاشق می‌شوند؟ آیا رابطه جنسی را بخش مهمی از ازدواج می‌دانند؟ در یک رابطه، هر تیپ شخصیتی به چه میزان استقلال شخصی و صمیمیت نیاز دارد؟ من حتی در مورد نظر آن‌ها درباره وضعیت کشورهای جوراب هم کنجکاو بودم: شلخته باشد یا مرتب!

بنابراین در همین نمونه ۳۹،۹۱۳ نفری از اعضای ناشناس وب‌سایت، این موارد و سؤالات دیگری را مطرح کردم و پاسخ‌ها را مورد بررسی قرار دادم. میانگین سنی این گروه، سی و هفت سال بود. ۵۶٫۴ درصد از پاسخ‌دهندگان زن بودند؛ و ۸۹٫۶ درصد علاقه‌مند به جنس مخالف بودند. بیست و شش درصد از کل نمونه دارای تیپ شخصیتی جستجوگر بودند، در حالی که سازندگان ۲۸٫۶ درصد، هدایت‌گران

۱۶,۳ درصد و مذاکره‌کنندگان ۲۹,۱ درصد جمعیت نمونه را تشکیل می‌دادند. مطمئناً، هر تیپ شخصیتی با گروه متفاوتی دوست می‌شود، می‌خواهد در یک مکان متفاوت زندگی کند و ارزش‌های دینی متفاوتی دارد. حتی خط‌خطی‌های فی‌البداهه این چهار نوع تیپ، با یکدیگر متفاوت است. ترتیب تولد، تفاوتی در نوع شخصیت فرد ایجاد نمی‌کند. این مورد یکی از چندین نشانه‌ای است که من در چهار نوع مختلف خلق و خو بررسی کردم. سبک تفکر و رفتار، از زیست‌شناسی ما سرچشمه می‌گیرد و قبل از خروج از رحم، در مغز شکل می‌گیرد. تمام داده‌های آماری جمع‌آوری شده از این ۳۹,۹۱۳ مرد و زن ناشناس، که به آن مطالعه تیپ شخصیتی می‌گوییم - به همراه اطلاعات به دست آمده از ژنتیک، علوم اعصاب، انسان‌شناسی، روان‌شناسی و دیگر رشته‌های علمی - اساس شناخت من از جستجوگران، سازندگان، هدایتگران و مذاکره‌کنندگان را تشکیل می‌دهد.

مطالعه انتخاب همسر

در مرحله بعد، می‌خواستم بدانم آیا خلق و خو زیست‌شناسی فرد باعث می‌شود تا در انتخاب معشوق، او به سمت یک تیپ شخصیتی خاص گرایش پیدا کند. شواهدی داشتم که نشان می‌داد هر تیپ شخصیتی به طور خاص، مناسب یک تیپ دیگر است. با این وجود، با استفاده از داده‌های آماری به دست آمده از نمونه‌های مختلف، مطالعه دوم، یعنی مطالعه انتخاب شریک زندگی را انجام دادم: نمونه آماری این مطالعه، شامل ۲۸,۱۲۸ عضو ناشناس وب‌سایت همسریابی می‌شد که علاقه‌مند به جنس مخالف بودند.

هنگام بررسی این موضوع که این افراد، چه کسانی را برای ملاقات انتخاب کردند، به برنامه طبیعت پی بردم: جستجوگران به سمت جستجوگران - افرادی با خلق و خو مشابه جذب می‌شوند. سازندگان نیز به افرادی مشابه خود جذب می‌شوند. با این حال، هدایتگران به سوی مذاکره‌کنندگان جذب می‌شوند و مذاکره‌کنندگان به سوی هدایتگران گرایش پیدا می‌کند. این دو تیپ شخصیتی

به سمت افرادی جذب می‌شوند که خلق و خوی آن‌ها را تکمیل می‌کند. (۷) (به ضمیمه مراجعه شود). علاوه بر این، این الگوها بدون توجه به جنسیت فرد، رخ می‌دهد.

جای تعجب نیست که بسیاری از دانشمندان و عوام فکر می‌کنند «اشخاص با شخصیت و خلق و خوی متفاوت به سمت یکدیگر جذب می‌شوند»، درحالی‌که بسیاری دیگر معتقدند «کبوتر با کبوتر، باز با باز». بسته به تیپ شخصیتی اصلی، هر دو الگو می‌تواند رخ می‌دهد. احساسم این بود که انگار دزدکی وارد آشپزخانه مادر طبیعت شدم و اتفاقی به دستورات عمل‌های او برای این‌که عاشق چه کسی شوم برخورد کردم.

اما در یک وب‌سایت دوست‌یابی اینترنتی، فرد چگونه تنها از طریق چند عکس و مقاله (پروفایل‌ها)، بررسی خود را انجام می‌دهد و افرادی با یک تیپ زیست‌شناسی خاص را انتخاب می‌کند، و یا حتی از آن‌ها شناخت پیدا می‌کند؟

همان‌طور که معلوم است، چهره و کلمات، چیزهای بسیاری در مورد این‌که چه کسی هستیم بیان می‌کنند.

در پس چهره چیست؟

عنبنیه چشم را در نظر بگیرید. حفره‌های عنبنیه و شیارهای آن (خطوط منحنی اطراف لبه بیرونی عنبنیه) با ویژگی‌های خاصی از خلق و خو مرتبط هستند. افرادی که شیارهای بیشتری دارند، بیشتر تابع امیال آنی هستند و همچنین تمایل بیشتری دارند که در برابر خواسته‌های خود تسلیم شوند. این از ویژگی‌های افراد جستجوگر است. با این حال، افرادی که دارای حفره‌های بیشتری هستند زودباور، گرم و صمیمی‌تر هستند - ویژگی‌های مذاکره‌کنندگان.

شاید به همین دلیل است که، حتی در عکس به چشم‌های عاشق احتمالی، خیره می‌شویم. با این کار، به طور ناخودآگاه پیام‌های نامحسوسی درباره خلق و خوی فرد دریافت می‌کنیم. این‌که احتمالاً او در آینده چگونه فکر و رفتار

می‌کند.

ساختار چهره، خلق و خورا بیشتر نشان می‌دهد. فک خوش‌تراش و مربعی، گونه بلند و برجسته، پیشانی برآمده و بلند، همگی نشانه فعالیت تستوسترون، ماده شیمیایی غالب در هدایتگران است. حتی زنانی که تستوسترون بالایی دارند، بسیاری از این صفات را بروز می‌دهند. کافی است به گونه‌های برجسته، چانه پهن و پیشانی بلند بسیاری از زنان مشهور نگاهی بیاندازید.

هر دو جنسیت زن و مرد، میزان استروژن را با چهره خود نشان می‌دهند. پوست شفاف و صاف، لب ضخیم، بینی کوچک، چهره گرد، برآمدگی متوسط ابرو و سایر ویژگی‌های یک چهره کودکانه، همگی نشان‌دهنده فعالیت بالای استروژن است.

من هیچ مطالعه‌ای را نیافتم که ارتباط بین مشخصات چهره با دوپامین، ماده شیمیایی غالب در افراد جستجوگر و یا سروتونین، ماده شیمیایی اصلی افراد سازنده را بررسی کرده باشد. به جز یک استثنا: افراد با فعالیت خاص دوپامین، چهره‌های گویاتری دارند و می‌توان احساساتشان را از حالت چهره‌شان فهمید. با این وجود، معتقدم که افراد جستجوگر و سازنده هر دو نشانه‌های متمایزی در چهره دارند و بعدها دانشمندان آن را کشف خواهند کرد.

ساموئل جانسون^۱، ستاره ادبیات قرن هجدهم می‌گوید: «وعده‌های بزرگ، روح تبلیغات هستند.» بسیاری از قول‌ها و وعده‌هایی که می‌دهیم را می‌توان از چهره‌مان فهمید. این اصل شامل برخی از ویژگی‌های رفتاری که وارد یک رابطه می‌کنیم هم می‌شود.

جاذبه کلمات

جستجوگرها، سازندگان، هدایتگران و مذاکره‌کنندگان، خلق و خوی ویژه خود را با کلمات نیز نشان می‌دهند.